

## گفتمان سیاست خارجی جریان‌های ملی‌گرا و اسلام‌گرا مطالعه موردی: مقایسه تطبیقی مذاکره با سفارت آمریکا

احسان کیانی\* / محمد جعفر جوادی‌ارجمند\*\*

### چکیده

در این پژوهش قصد داریم با بررسی بخشی از اسناد سفارت آمریکا که یکی از مهم‌ترین منابع اسنادی و کتابخانه‌ای تاریخ معاصر ایران می‌باشند، مذاکرات اعضای شاخص گروه نهضت آزادی ایران از یک سو و دکتر سید محمد بهشتی، عضو جامعه روحانیت مبارز تهران و دبیر کل حزب جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، با مسئولان و کارکنان سفارت آمریکا در تهران طی سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ را مورد تحلیل قرار دهیم. آنچه در تحلیل محتوای این بخش از اسناد و مقایسه تطبیقی این دو با گفتمان‌های سیاست خارجی دریافت می‌شود؛ آن است که گروه اول با رویکردی ایدئولوژیک بر محورهای لیبرالیسم، دموکراسی و حقوق بشر تأکید دارند که برآمده از گفتمان ملی‌گرای لیبرال در سیاست خارجی است که در دوران تسلط دولت موقت حاکمیت یافت. آن‌ها در مذاکرات پیاپی با سفارت آمریکا به دنبال جلب حمایت این دولت در عرصه سیاست داخلی ایران هستند تا رقیبان ایدئولوژیک مانند مارکسیسم را شکست دهند. ولی دکتر بهشتی از منظری عمل‌گرایانه، مصالح انقلاب اسلامی و منافع ملی را لحاظ می‌کند و با واقع‌بینی نسبت به محیط بین‌الملل بر اصول اساسی انقلاب یعنی استقلال از غرب و شرق، اتکا به نیروهای درونی

\* - فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران.

\*\* - دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۷

و فقدان وابستگی خارجی و در عین حال رویکرد انتقادآمیز نسبت به روابط سابق آمریکا در ایران و تلاش نسبی و تدریجی برای رفع تنش‌های احتمالی مبتنی بر مصلحت اندیشی و واقع‌نگری، تأکید دارد که در چارچوب رهیافت مصلحت‌گرایی مرکز‌محور از خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی انقلابی جای می‌گیرد.

## واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی؛ دکتر بهشتی؛ سفارت آمریکا؛ گفتمان سیاست خارجی؛ نهضت آزادی.

## بیان مسئله

یکی از مسائل مهم در تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تبیین و سپس تکوین مذاکره با دولت‌های بیگانه و در مواردی حتی اصل حضور یا امتناع از این امر بوده است. این مسئله به خصوص در ارتباط با چرایی یا چگونگی مذاکره با دولت ایالات متحده آمریکا همواره محل مجادله و مباحثات گوناگون دولت‌مردان، دیپلمات‌ها و سیاست‌ورزان جریان‌ها و احزاب مختلف قرار گرفته است. موارد مختلف این موضوع از توافق برنامه جامع مشترک در خصوص پرونده انرژی هسته‌ای تا مذاکره با نیروهای سیاسی و نظامی آمریکا در خصوص وضعیت عراق و افغانستان پس از حمله دولت آمریکا به این دو کشور و نقش‌آفرینی ایران در زمینه آزادی گروگان‌های آمریکایی در بند نیروهای جهادی در لبنان و بسیار پیش‌تر، مسئله مذاکرات مک‌فارلین نمونه‌هایی مهم از این رفتار سیاست خارجی مسئولان نظام جمهوری اسلامی است که در شرایط مختلف و توسط دولت‌هایی با ایده‌ها و اهدافی متفاوت از یکدیگر به وقوع پیوسته است. متغیر تعیین‌کننده روش مذاکره در این موارد، گفتمان دیپلماتیک جریان غالب و نوع نگرش آن به سیاست خارجی بوده است. مذاکرات صورت گرفته میان اعضای شورای انقلاب اسلامی با دیپلمات‌های سفارت ایالات متحده در تهران به عنوان اولین نمونه مذاکره رهبران انقلاب و مسئولان نظام با ابرقدرتی جهانی، یکی از موضوعاتی است که کمتر به آن پرداخته شده است. بعضی اعضای نهضت آزادی ایران از جمله مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، مهندس محمد توسلی و دکتر یزدی از اولین افرادی بودند که درباره مسائل داخلی و نقش آمریکا در آن به مذاکره با سفارت این کشور در تهران پرداختند. آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، رییس شورای انقلاب اسلامی؛ دبیر کل حزب جمهوری اسلامی و اولین

رییس شورای عالی قضایی نیز از جمله فعالان سیاسی برجسته و مورد وثوق حضرت امام خمینی رحمته‌الله بود که پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی طی دیدارهایی با سفیر، کاردار یا افراد مرتبط با سفارت آمریکا، موضع خود نسبت به روابط ایران و آمریکا را ابراز نموده است. بررسی اسناد این مذاکرات با توجه به تصویرسازی غالب از شخصیت‌ها و همچنین با در نظر گرفتن موقعیت مهم ایران در عرصه بین‌المللی، می‌تواند راه‌گشای پژوهشگران و مورخانی باشد که درصدد هستند فارغ از حب و بغض‌های سیاسی، به مذاکره نه به عنوان یک هدف بلکه یک ابزار در جهت دستیابی به منافع ملی ایران بنگرند. در پژوهش جاری با رویکرد تفسیری و بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به تحلیل محتوای مذاکرات رخ داده بین جریان ملی‌گرا به ویژه مهندس بازرگان و مهندس توسلی و جریان اسلام‌گرا با محوریت شهید بهشتی با سفارت ایالات متحده در تهران می‌پردازیم. فرضیه این پژوهش آن است که برخلاف تصور عمومی که رویکرد جریان لیبرال را واقع‌نگر و جریان مکتبی را اتویبایی و انتزاعی تصور می‌کند؛ ملی‌گرایان ایران بر مبنای رهیافتی آرمان‌گرایانه نسبت به سیاست خارجی به مذاکره با سفارت آمریکا پرداخته و درصدد بودند با تبیین ویژگی‌های حزبی و جناحی خود و اثبات هم‌پوشانی‌های ایدئولوژیک، رفتار دیپلماتیک ایالات متحده نسبت به انقلاب ایران را تحت تأثیر قرار دهند ولی گفتمان سیاست خارجی اسلام‌گرایی مصلحت‌محور منتج از مذاکرات دکتر بهشتی با واقع‌بینی نسبت به قدرت نرم ایران به پشتوانه سرمایه اجتماعی برآمده از جنبش انقلابی ملت و همچنین با دقت به مواضع متفاوت دولت‌مردان ایالات متحده پیش و پس از انقلاب اسلامی و تمایل برخی از آنان به روابط نزدیک‌تر با ایران جهت جلوگیری از گسترش نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در آسیای غربی؛ درصدد بوده تا منافع ملی کشور و بقای انقلاب در شرایط متشنج ماه‌های پایانی جنبش اسلامی و همچنین اولین سال پس از پیروزی انقلاب را تضمین نماید.

### پیشینه پژوهش

در بین آثار پژوهشی بعضی موارد به بررسی متغیرهای مؤثر بر مذاکرات خارجی پرداخته‌اند. سیمبر (۱۳۸۹) در «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌دارد که ابزار فشار و تهدید در مذاکره علیه ایران کارساز نخواهد بود و تغییری در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی پدید نخواهد آورد. شیرازی (۱۳۹۴) در «کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام» این مذاکرات را ذیل جهت‌گیری استکبارستیزانه و با هدف رفع شر آمریکا دانسته و نقاط ضعف و قوت آن را برشمرده است. غیور (۱۳۹۵) در «قدرت نرم و توافق هسته‌ای

ایران با کشورهای ۱+۵» با بهره‌مندی از ایده قدرت نرم جوزف نای، تغییر رویکرد دولت ایران به ابعاد نرم‌افزاری قدرت مانند تعامل، تغییر لحن، اقناع‌سازی و چندجانبه‌گرایی را موجب موفقیت در مذاکرات هسته‌ای دانسته است. ایزدی (۱۳۹۶) نیز در «نقش متغیرهای داخلی بر سیاست‌گذاری هسته‌ای دولت یازدهم» ضمن اشاره به نظریه تصمیم‌گیری سیاست خارجی جیمز روزنا به توزیع پرسشنامه میان جمعی از چهره‌های دانشگاهی، سیاسی و مطبوعاتی پرداخته و پس از تغییر فرد ریاست جمهور، تغییر نقش دستگاه پیگیر پرونده از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه را مؤثرترین تغییر متغیر داخلی بر روند مذاکرات هسته‌ای قلمداد نموده است.

در میان مقالات علمی، موردی که به مذاکرات مرتبط با سفارت آمریکا بپردازد، دیده نشده است. نه فقط در خصوص سوژه اصلی فعالیت پژوهشی جدی انجام نشده بلکه درباره متغیرهای این پژوهش نیز موارد اندکی مشاهده می‌شود. در این باره می‌توان به برخی فعالیت‌های پژوهشی در خصوص نسبت جریان نهضت آزادی با جنگ تحمیلی اشاره داشت. وردنجانی (۱۳۹۶) در «تحلیل و بررسی عملکرد نهضت آزادی در جنگ تحمیلی و مواجهه با انقلاب اسلامی» مواضع این جریان در آغاز، تداوم و پایان دفاع مقدس را مورد کاوش قرار داده و آن را برآمده از ایده صلح‌طلبی این حزب دانسته است. نویسنده تطبیقی میان این مواضع و گفتمان این جریان در خصوص سیاست خارجی انجام نداده است. اما حضرتی (۱۳۹۵) در «جنگ ایران و عراق در گفتمان سیاسی نهضت آزادی» مواضع متفاوت این جریان در قبال دفاع مقدس، پیش و پس از فتح خرمشهر را ذیل نظریه حُسن همجواری و تنش‌زدایی دیپلماتیک دسته‌بندی می‌کند. هراتی (۱۳۹۴) نیز در «واکاوی رویکردهای مشابه دولت‌های انتقالی ایران و مصر نسبت به ایالات متحده» رویکرد دیپلماتیک دولت‌های موقت پس از انقلاب‌های ایران و مصر در مواجهه با آمریکا را مورد مقایسه قرار داده است. او خاستگاه طبقاتی کارگزاران دولت موقت و تحصیل آنان در غرب، فقدان پایگاه مردمی و ضدیت با کمونیسم را دلیل روابط حسنه آنان با آمریکا تلقی کرده است.

مبنای این پژوهش بررسی مذاکرات اعضای شورای انقلاب با سفارت آمریکا در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ با استناد به اسناد منتشرشده لانه جاسوسی قرار گرفته که تاکنون مقاله پژوهشی مستقلی در این باب ارائه نشده است. بر این اساس مقایسه‌ای تطبیقی میان مذاکره دو جریان ملی‌گرا (با محوریت اعضای برجسته نهضت آزادی) و اسلام‌گرا (با تمرکز بر مذاکرات دکتر بهشتی) با سفارت آمریکا صورت گرفته است. پرسش اصلی این مقاله، تبیین گفتمان این دو رویکرد نسبت به سیاست خارجی انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای اسناد می‌باشد. بر مبنای چارچوب

تئوریک این پژوهش، با تبیین گفتمان ملی‌گرایی لیبرال و اسلام‌گرایی مصلحت‌محور و روش‌شناسی تحلیل محتوای کیفی، مؤلفه‌های این دو گفتمان در مذاکرات فعالان شاخص این دو نگرش مورد جستجو قرار می‌گیرد.

### مبانی نظری

پیشینه آرمان‌گرایی در سیاست خارجی را به اندیشه‌های امانوئل کانت، فیلسوف مشهور عصر روشنگری نسبت می‌دهند. «مهم‌ترین رساله کانت در زمینه روابط بین‌الملل، صلح پایدار نام دارد که اواخر سال ۱۷۹۵ میلادی منتشر شد» (معینی، ۱۳۸۱، ۲۶۷). در شرایطی که معاهده وستفالیای پس از جنگ‌های سی ساله مذهبی، نظم دولت‌شهرهای تحت سلطه امپراتوری مقدس روم را بر هم زده و مرزهای جغرافیای سیاسی جدیدی ترسیم شد، کانت داعیه یک صلح جهانی فراتر از چارچوب‌های سرزمینی را بیان نمود. در واقع هستی‌شناسی رویکرد آرمان‌گرایانه ریشه در اندیشه‌های انسان‌شناسی کانت دارد که انسان را غایت خلقت انگاشته و در رساله خویش نیز درصدد است با رویکردی تجویزی و هنجاری، حقانیت این اندیشه را به اثبات برساند. به عقیده وی «مردم جهان به درجات مختلف به جامعه جهانی وارد شده‌اند و این جامعه جهانی تا آنجا توسعه یافته که نقض حقوق افراد در یک جا، در همه جا احساس خواهد شد» (معینی، ۱۳۸۱، ۲۷۴). او ضمن ارج نهادن به حقوق بشر، با بیان شباهت سیاست داخلی و سیاست خارجی می‌کوشد تا با تبیین سیستم جمهوری به عنوان شرط لازم برای استقرار صلح در داخل یک کشور، راهی برای تداوم صلح در عرصه بین‌المللی بیابد. مبنای او این است که خطرات خارجی، دموکراسی داخلی را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد و از آن‌جا که رسالت دولت‌ها حفظ آزادی است پیشنهاد می‌دهد جهت پرهیز از بروز هر تهدیدی نسبت به حقوق انسان‌ها «قانون بین‌الملل بر مبنای فدراسیونی از دولت‌های آزاد باشد» (معظمی، ۱۳۸۸، ۱۴۱). بنابراین نهادگرایی مهم‌ترین ابزار تحقق این آرمان تلقی می‌شود. این اندیشه در اوایل قرن بیستم از سوی ویلسون، رییس‌جمهور وقت ایالات متحده مورد توجه قرار گرفت و به تأسیس «جامعه ملل» از خاکستر ویرانه‌های اولین جنگ جهانی انجامید که پس از جنگ جهانی دوم به «سازمان ملل» تغییر یافت.

رویکرد لیبرال‌ها به مقوله امنیت مبتنی بر «تعامل میان لایه‌های مختلف حاکمیتی، سازش میان قوانین، هنجارهای مشترک، رژیم‌های بین‌المللی و مقررات نهادی است» (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ۵). وابستگی متقابل و افزایش نقش‌آفرینی در نهادهای بین‌المللی مهم‌ترین راهبردهای این نظریه

برای حفظ امنیت ملی و تأمین منافع دولت‌هاست. این اندیشه که جمهوری‌ها به دلیل شباهت ساختاری و هم‌چنین گسترش رفاه اقتصادی مبتنی بر خواست اکثریت که تصمیم‌گیران اصلی این دولت‌ها هستند؛ وارد نبرد با یکدیگر نمی‌شوند؛ شالوده‌ایده «صلح دموکراتیک» را در قرن بیستم درانداخت که اسپنسر ویرت و مایکل دوایل از جمله نظریه پردازان آن بوده‌اند. ایده‌ای که در نهایت به تبیین لزوم «یک دولت جهانی جهت لازم‌الاجرا کردن تصمیمات منجر شد» (شیخون، ۱۳۸۹، ۱۴). رویکرد ملی‌گرایی لیبرال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به دلیل با توجه به مفاهیم جمهوریت، حقوق بشر و تقابل با سوسیالیسم، به رویکرد آرمان‌گرایی کلاسیک کانت و صلح دموکراتیک شباهت دارد.

در مقابل خرده‌گفتمان اسلام‌گرایی مصلحت‌محور برآمده از گفتمان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی تا حدی به نظریه واقع‌گرایی در روابط خارجی نزدیک است. «واقع‌گرایی در شکل کلاسیک در جنگ پلویز اثر توسیدید منعکس شده است. این سنت در عصر مدرن در کتبی چون شهریار اثر ماکیاولی؛ درباره جنگ اثر کلازویتس و لویاتان نوشته‌ها باز آمده است» (قوام، ۱۳۹۰، ۷۹). آنها سعی نمودند با عبور از آرمان‌گرایی فلسفی، راهکاری مبتنی بر واقعیت موجود ارائه دهند. چنان‌که ماکیاولی بر خودیاری حاکم در زمینه قوای نظامی و پرهیز از قوای کمکی همسایگان تأکید می‌کند: «شهریار خردمند همواره از این‌گونه نیروها بر حذر بوده و بر منابع خود متکی خواهد بود» (ماکیاولی، ۱۳۹۲، ۱۰۸). وی دلیل این امر را فضای بی‌اعتمادی میان دولت‌ها عنوان نموده و احساس ناامنی و اطمینان‌ناپذیر بودن لشگریان اجیرشده و غیربومی را مسئله‌ای مهم در شکست‌های پی‌درپی دولت شهرهای ایتالیا می‌داند. هابز نیز بر قواعد معین و واقعی به جای تجارب پیشینی و ایده‌های ذهنی تأکید می‌ورزد: «مهارت و هنر تأسیس حفظ دولت هم چون علم حساب و هندسه دارای قواعدی معین است و متکی بر عمل و تجربه صرف نیست» (هابز، ۱۳۸۰، ۲۱۷). اندیشه واقع‌گرایی در نظریات روابط بین‌الملل از اوایل دهه ۱۹۴۰ آغاز شد. نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل در واکنش به آرمان‌گرایی بین‌دو جنگ جهانی، بر شکست این تئوری تأکید کردند. بروز جنگ جهانی دوم و میلیون‌ها تلفات انسانی در کنار ویرانی‌های بسیار سبب طرد آرمان‌گرایی نزد سیاست‌ورزان، دولت‌مردان و اندیشمندان شد. «انتشار کتاب سیاست میان‌ملت‌ها اثر هانس مورگنتا در سال ۱۹۴۸ واقع‌گرایی کلاسیک را برجسته نمود» (حق‌شناس، ۱۳۹۲، ۶۶۰). او در رابطه قدرت و واقعیت معتقد است: «حقیقت علم سیاست حقیقتی در مورد قدرت و تجلیات، شکل بندی‌ها، محدودیت‌ها، محتوا و قوانین آن است» (مشیرزاده، ۱۳۹۲، ۹۶). وی به تبعیت از هابز بر سرشت شرور انسانی تأکید می‌ورزد و مانند ماکیاولی سرشت

بی‌نظم نظام بین‌الملل را مورد اشاره قرار می‌دهد. در شرایط فقدان مرجعیت مقتدر، هر دولتی برای کسب اهدافش به نیروهای تحت اختیارش متوسل می‌شود و بقا پیش شرط حصول به دیگر اهداف است. در این راستا طبیعی است که تلاش برای کسب، حفظ و افزایش قدرت نظامی، اهمیت بیشتری می‌یابد. با این حال مورگنتا از دیگر انواع آن مانند «جغرافیا، منابع طبیعی، توان صنعتی، جمعیت، روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی و حکومت غافل نیست» (مهاجرپور، ۱۳۹۱، ۶).

طبق واقع‌گرایی، قدرت (توان تغییر رفتار سایرین و اثرگذاری بر کنش‌های آنان) ابزار دست‌یابی به منافع ملی و تغییر موازنه قدرت، مسیر افزایش دستاورد نسبی در نسبت با رقیبان است. این تئوری بر مبنای هزینه-فایده با وجود تأکید بر توان‌مندی نظامی، از دیپلماسی حمایت می‌کند و آن را «سازوکاری کلیدی برای ایجاد موازنه میان منافع گوناگون ملی تلقی می‌کند» (قوام، ۱۳۹۱، ۲۹۹). بنابراین مؤلفه‌های اصلی نظریه واقع‌گرایی کلاسیک، خودیاری در محیط آنارشیک بین‌الملل بر مبنای پیشینه‌سازی قدرت با روش‌های عقلایی جهت بقای دولت است (رحمتی، ۱۳۸۹، ۱۴۰). با این حال، رفتار کارگزاران یک دولت اسلامی در زمینه سیاست خارجی را نمی‌توان لزوماً با رهیافت-های سکولار مانند رئالیسم تبیین نمود. رویکرد این دولت مردان به روابط خارجی با دولت‌های بیگانه را می‌توان در چارچوب‌های دیگری بررسی نمود که با وجود برخی اشتراکات با رهیافت‌های غربی، مختص یک دولت دینی باشد.

رویکرد اسلام‌گرایی مصلحت‌محور در هستی‌شناختی با رویکرد واقع‌گرایی کلاسیک متفاوت است. در عین حال اشتراکات روشی با آن دارد. رویکرد اسلامی برخلاف واقع‌گرایان، ذات انسان را شرور نمی‌داند. «انسان بر اساس فطرت الهی خود به طور بالقوه دارای کلیه معارف و ملکات حسنه است» (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۰، ۱۴). هر چند فطرت بشری دارای نفس اماره‌ای است که خودخواهی، منفعت‌طلبی و طماعی را در وی تقویت می‌کند. به همین دلیل قرآن کریم در عین تأکید بر روح الهی بشریت، او را از اطمینان به هوای نفس بر حذر می‌دارد: «من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند مگر کسی را که خدا رحم کند» (قرآن کریم، سوره یوسف، ۵۳). رویکرد اسلامی در مرتبه‌ای تکامل یافته‌تر از رویکرد واقع‌گرایی، ذات انسان را طیف گونه‌ای از نیکی به شر می‌بیند که از نگرش تک‌بعدی رئالیستی فراتر می‌رود. این نگرش در رویکرد اسلامی به سیاست خارجی موجب می‌شود در عین گرایش به مدارا با دولت‌های بیگانه به طوری که هیچ فرصتی را برای ایجاد آرامش و امنیت در پناه صلح از دست ندهد؛ هرگز به نیات و انگیزه‌های او اطمینان نداشته باشد: «سخت از دشمنت پس از بستن پیمان صلح بر حذر باش چرا که دشمن گاهی

نزدیک می‌شود که غافلگیر سازد، پس دوراندیشی را به کار گیر و در این موارد روح خوش‌بینی را کنار بگذار» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). از دیگر مظاهر ظاهراً مشترک بین اسلام‌گرایی مصلحت‌محور و واقع‌گرایی کلاسیک، کاربرد عقلانیت در این دو است. با این تفاوت که عقلانیت فطری در پی کشف مصالح و مفاسد امور و اقدام مقتضی جهت کاهش مشکلات و افزایش دستاوردهاست. ولی از آن‌جا که نگرشی بلندمدت‌تر از دیدگاه صرفاً انسان‌گرای غربی دارد، نه فقط بر اساس منطق نتیجه بلکه بر اساس منطق تکلیف و تناسب رفتاری کارگزاران دولت اسلامی با هویت دینی خویش، به تبیین رویکرد آن‌ها به سیاست خارجی می‌پردازد. با این حال عمل به مصلحت دولت اسلامی در راستای حفظ آن در محیط نامطمئن بین‌المللی موجب می‌شود «رابطه‌ای منطقی بین تکلیف محوری، عقلانیت و مصلحت وجود داشته باشد. به گونه‌ای که ادای تکلیف متضمن عقلانیت و رعایت مصلحت باشد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰، ۲۲). بنابراین عناصر اصلی رویکرد اسلام‌گرایی مصلحت‌محور به سیاست خارجی را می‌توان تلاش برای حفظ بقای دولت در محیط آنارشیک بین‌المللی با تکیه بر ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اعم از تجهیزاتی نظامی، سرمایه اجتماعی و توان‌های دیپلماتیک دانست.

### روش‌شناسی

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. تحلیل محتوا یک «روش تحقیقی برای اخذ نتایج معتبر از داده‌های استخراج شده از متن است» (رضوانی، ۱۳۸۹، ۱۳۹). مفروض آن است که می‌توان با کاوش در پیام‌های گفتاری، نوشتاری، تصویری یا صوتی به اولویت‌های مطروحه در آن‌ها و نگرش مؤلفان‌شان دست یافت. این روش در رشته‌های مختلف علوم انسانی اعم از جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، ارتباطات، روان‌شناسی و امثالهم کاربرد فراوانی دارد. گزارش‌های آسنادی، نامه‌ها، مقالات، کتب و یا آثار چندرسانه‌ای تکنولوژیک مانند فیلم یا صوت از جمله محورهایی هستند که در این روش مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مبتنی بر دو پارادایم اثبات‌گرا و تفسیری، به ترتیب دو روش کمی و کیفی جهت تحلیل محتوا به کار برده می‌شود. در روش کمی، واژگان، موضوعات یا اسامی خاص از جمله واحدهای تحلیل در این روش می‌باشد. این روش عمدتاً در خصوص تحلیل پرسش‌نامه‌ها و اجرای نظرسنجی‌ها کاربرد ویژه‌ای دارد. منتقدان کمی‌گرایی معتقدند «بسامد و تکرار، همواره نشانه اهمیت و تأثیر پیام نیست. چه بسا ممکن است عناصری از متن بدون اینکه تکرار شوند تأثیر مهمی بر کلیت پیام و در نتیجه بر مخاطب به جای بگذارند»



(قائدی، ۱۳۹۵، ۶۸). ولی در روش کیفی سعی می‌شود مبتنی بر رویکرد شناختی به تبیین محورهای اصلی بپردازند. روش کیفی به طور خاص در پدیدارشناسی، مردم‌شناسی و پژوهش‌های تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین دلیل در این پژوهش نیز از روش تحلیل محتوای کیفی برای بررسی محورهای اصلی مذاکرات اعضای شورای انقلاب اسلامی در مواجهه با دیپلمات‌های سفارت آمریکا بهره‌جسته‌ایم. ابتدا به طور تشریحی به توصیف مذاکرات صورت گرفته میان طرفین پرداخته و با توجه به متن اسناد منتشرشده سفارت آمریکا، اولویت‌ها و اهداف مذاکره‌کنندگان ایرانی را برمی‌شماریم و این نکته را در پایان طی جداولی به طور خلاصه نیز عرضه می‌کنیم. آن‌گاه محورهای اساسی را با گفتمان‌های سیاست خارجی تطبیق داده و رویکرد دیپلماتیک دو جریان ملی-گرا و اسلام‌گرای مصلحت‌محور را تبیین می‌نماییم.

### مذاکرات اعضای نهضت آزادی ایران با سفارت آمریکا

اولین جریانی که درصدد مذاکره با آمریکا برای کاهش حمایت آن دولت از حاکمیت پهلوی برآمد، «نهضت آزادی ایران» بود. مهندس محمد توسلی، دبیر سیاسی این حزب در این باره می‌گوید: «شورای نهضت چهار نفر را برای تماس با آمریکایی‌ها تعیین کرد: مهندس بازرگان، دکتر سحابی، صدر حاج‌سیدجوادی و بنده به عنوان مترجم. با توجه به تحت نظر بودن ما از سوی ساواک، نحوه ارتباط ما بسیار سخت بود. دکتر بهرام بهرامیان از اساتید دانشگاه امیرکبیر ... ترتیب ملاقات من با یکی از کارکنان سفارت آمریکا را فراهم کرد. با هماهنگی او در اردیبهشت ۱۳۵۷ در رستورانی در نزدیکی میدان مادر با استنپل کاردار اول سفارت آمریکا دیدار کردم» (علی قلی طایفه، ۱۳۹۵، ۲۵۲). این دیدار به تاریخ ۱۸ اردیبهشت در رستوران ال‌چیکو برگزار شد و توسلی خود را «توکلی» معرفی نمود. او ضمن سوءظن به استمپل مبنی بر این‌که جاسوس سیا باشد «حدس می‌زند کمی کمتر از نصف مردم ایران، آمریکایی‌ها را به خاطر حمایت‌شان از شاه و دولت دوست ندارند و به آن‌ها اعتماد نمی‌کنند ... و فاصله زیادی بین منافع آمریکا و سیاست دولت آن‌ها [دولت شاه] وجود دارد» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۰۱). توسلی در این دیدار سعی دارد حمایت از شاه را منافی منافع دولت آمریکا جلوه دهد: «من به وی پیشنهاد مذاکره میان مهندس بازرگان و مسئولان سفارت را دادم که اولین جلسه در منزل دکتر فریدون سحابی، با حضور مهندس بازرگان، دکتر سحابی، من و آقای استمپل برگزار شد» (علی قلی طایفه، ۱۳۹۵، ۲۵۲). این دیدار به تاریخ ۴ خرداد در دروس برگزار شد. بازرگان، سحابی و توسلی در گفت‌وگو با استمپل ضمن اعتراض به دخالت سیا

در کودتای ۲۸ مرداد «تأکید می‌کردند که شاه بایستی وادار به دادن آزادی شود آن‌ها این را به طور کامل به سیاست حقوق بشر پرزیدنت کارتر نسبت می‌دادند ... و به طور محکمی قانع هستند که شاه هرگز آزادی نخواهد داد مگر اینکه به وسیله نیروهای خارجی مجبور به دادن آزادی شود» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۰۳).

بازرگان و سحابی با تعصب ایدئولوژیک بر حقوق بشر به مثابه یکی از عناصر اصلی اساس‌نامه نهضت آزادی درصدد جلب نظر مثبت دولت آمریکا هستند. در ملاقات بعدی که میان بازرگان و توسلی با استمپل در منزل فریدون سحابی برگزار شد نیز بازرگان ابراز می‌کند: «اگر شاه حاضر باشد که تمام مواد قانون اساسی را به اجرا درآورد ما آماده‌ایم تا سلطنت را بپذیریم» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۰۶). این نکته نیز نشان از تأثیرپذیری بالای اعضای نهضت آزادی از مؤلفه‌های ایدئولوژیک حزب‌شان (گرایش به فعالیت در چارچوب قانون اساسی) در رویکرد آن‌ها به سیاست خارجی دارد.

یکی دیگر از نشانه‌های ایدئولوژی‌گرایی این افراد در مذاکرات، اصرار و تأکید بالا بر تقابل ایدئولوژیک با حزب توده و جریان‌های مارکسیست بوده است. توسلی ۳۰ مرداد در دیدار استمپل از مارکسیسم به عنوان دشمن مشترک با آمریکا یاد می‌کند: «انتخاب بین اسلام و کمونیسم است برای اینکه جنبش باید دارای ایدئولوژی باشد» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۱۴). طی دیدار بعدی در ۳ مهر توسلی و بهرامیان با ابراز نگرانی نسبت به تشدید فعالیت‌های گروه‌های چپ-گرا از جمله حزب توده «اصرار می‌ورزند آمریکا در رابطه با دولت ایران هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۱۷). توسلی ۲۷ مهر نیز «نگرانی از فعالیت حزب توده در دانشگاه‌ها» را به استمپل منتقل می‌کند (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۲۳). وی ۲۷ آذر بار دیگر بر تضاد ایدئولوژیک ملی‌گرایان با چپ‌گرایان تأکید نمود و به سبب این هم‌خوانی ایدئولوژیک خواستار کمک دولت آمریکا به جنبش اسلامی شد: «حرکت اسلامی همیشه ضد کمونیست خواهد بود. هیچ گونه دیگری نمی‌شود. این حرکت باید به غرب تکیه کند و از اینکه آمریکا بیشتر کمک نکرده مأیوس شده است» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۲۶). یک ماه بعد در ۲۸ دی، توسلی هم‌چنان بر نگرانی نسبت به تشدید فعالیت حزب توده در شب‌های شعر گوته و دانشگاه تهران تأکید کرد: «اگر که حملات شدید حزب توده قرار است در سیستم سیاسی فعلی ایران صورت پذیرد برای جنبش اسلامی لازم خواهد بود که برنامه زمان بندی شده‌اش را سرعت بخشد» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۳۷۲). توسلی و امیرانتظام

در مذاکرات ۳۰ دی نگرانی از «گردهمایی بزرگ چپی‌های احتمالاً ضد مذهبی» را ابراز کردند (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۳۷۸).

از نکات جالب این مذاکرات، رغبت مذاکره‌کنندگان ایرانی به اطلاع و مداخله سفارت آمریکا در جناح بندی‌های سیاست داخلی کشور است. به گونه‌ای که علاوه بر نقد حزب توده و جریان‌های چپ‌گرا، ضمن تشریح وضعیت جبهه ملی، سعی می‌کنند وجهه این گروه را در نظر دولت آمریکا تخطئه نموده و آن را «گروهی ساختگی که بر محور افراد دور می‌زند» تعریف می‌کنند (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۲۰). در واقع می‌توان هدف از این امر را حذف رقیب از صحنه جلب حمایت غرب در عرصه سیاسی آینده ایران قلمداد نمود. عدم قائل بودن به مرزبندی شفاف در عرصه داخلی و خارجی و اولویت شکاف‌های ایدئولوژیک بر مرزبندی‌های واقع‌گرایانه جغرافیای سیاسی؛ موجب می‌شود نهضت آزادی همراهی و همکاری با یک دولت بیگانه لیبرال‌دموکراتیک را بر جریان‌های داخلی رقیب ترجیح دهد و حتی سعی در جلب نظر آمریکا برای کنار زدن آنان داشته باشد.

این مسائل موجب فقدان راهکار روشن در قبال تحولات متشنج داخلی شده و بیش از آن که به واقعیات سیاسی توجه داشته باشند، به مسائل آرمانی جریان ملی‌گرا نظر داشتند. چنان که استمپل درباره مذاکرات اعضای نهضت آزادی می‌نویسد: «آن‌ها گیج و فاقد ابتکار سیاسی به نظر رسیدند ... عمدتاً مایل بودند درباره نظریه و ایدئولوژی خود صحبت کنند که آن را رهبریت روشن‌گرانه جنبش آزادی خواهی ایران معرفی کرد» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۱۰). رویکرد آرمان‌گرایانه نسبت به مذاکره با نمایندگان دولت آمریکا در قبال تحولات داخلی منجر به تذبذب نمایندگان نهضت آزادی شده بود، به گونه‌ای که گفت‌گویی مهندس بازرگان، دکتر سحابی و محمد توسلی با لامبرایکس، مأمور سفارت در ۱۵ آبان نیز «حالت درگیری و بحث ایدئولوژیک به خود گرفت تا بحث سیاسی» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۲۵۴). سولیوان نیز تماس تلفنی توسلی با استمپل در ۲۳ آذر را «احساسی، سرسخت و بدون طرحی مبتنی بر استراتژی صلح‌آمیز» توصیف نموده است (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۲۵).

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان، بعضی اعضای شاخص نهضت آزادی ایران مدیریت وزارت خانه‌های کشور، خارجه، دادگستری و برخی معاونت‌ها را بر عهده گرفتند. در این میان می‌توان با بررسی محتوای مذاکرات این افراد با کاردار یا دیگر مسئولان سفارت ایالات متحده، ابتدای گفت‌وگو بر ایده‌های لیبرال مانند حقوق بشر، دموکراسی و

خوش‌بینی به سیاست خارجی آمریکا را دریافت. ابراهیم یزدی در زمانی که ابتدا معاونت نخست‌وزیری را بر عهده داشت، طی دیدار با ناس، کاردار و استمپل، کفیل بخش سیاسی سفارت در ۲۳ فروردین ۱۳۵۸ گفت: «گذشته، گذشته است و زمینه‌های بسیاری برای همکاری وجود دارد، ایران نیز به مرور زمان نیازمند تکنولوژی و محصولات کشاورزی آمریکا خواهد بود» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۴، ۲۴۷). هم‌چنین در گزارش سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه این کشور به تاریخ ۳ تیر ۱۳۵۸ آمده است: «یزدی آن طور که در تهران تایمز منعکس شده مشخصاً این مسئله را مطرح نموده که ایران نمی‌تواند به تنهایی به پیش برود. صریحاً به ادامه وابستگی به غرب اقرار کرد» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۴، ۲۷۸). در مورد دیگر، ملاقات کاردار سفارت با جوادی، وزیر دادگستری در ۹ مرداد ۱۳۵۸ که با توجه به «سابقه خود وزیر برای آرمان حقوق بشر و اهمیتی که پرزیدنت کارتر و مردم آمریکا برای حقوق بشر قائل هستند» توصیه نموده بود نگرانی‌های آمریکا از نقض حقوق بشر [برخورد با عوامل دولت پهلوی] مرتفع شود (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۴۵۵). مسئله حقوق بشر یک بار دیگر نیز در ۱ شهریور ۱۳۵۸ مورد گفت‌وگوی کاردار سفارت و ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه قرار می‌گیرد که کاردار نسبت به بدرفتاری با یهودیان، مسیحیان و بهاییان هشدار می‌دهد. یزدی ضمن رد برخی اتهامات گفت: «در مورد کمیته‌های انقلاب مشکلاتی هست که از عهده ما خارج است ... وی افزود باعث تأسف است که در همین حال بسیاری از همین رهبران قبول نمی‌کنند که اعمال تعصب‌آمیز در بین هم‌دینان - شان وجود داشته باشد» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۴، ۲۹۸). طی دیدار لینگن و پرشت با ابراهیم یزدی در ۳۰ مهر ۱۳۵۸ نیز، وزیر امور خارجه ایران با خوش‌بینی نسبت به سفر شاه به آمریکا به جهت معالجات پزشکی که دولت مردان آمریکایی با ایده‌های حقوق بشری مبنی بر درمان بیماری آن را توجیه می‌کردند، خواهان عدم فعالیت سیاسی شاه و همسرش در آمریکا می‌شود و این در حالی است که هم او و هم مسئولان سفارت نسبت به تبعات اعتراض توده‌های آمریکاستیز در ایران آگاه بودند و به همین دلیل یزدی «برای خنثی نمودن تظاهرات احتمالی خشونت‌آمیز مردم علیه کارمندان سفارت ... [تضمین می‌دهد] تقاضای افزایش مأمورین حفاظتی را خواهد نمود» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۴، ۳۳۲).

مرتبه	تاریخ مذاکره	طرف ایرانی	طرف آمریکایی	محورهای مذاکره
۱	۱۳۵۷/۲/۱۸	توسلی	استمپل	تلاش برای جلب حمایت آمریکا
۲	۱۳۵۷/۳/۴	بازرگان، سحابی، توسلی	استمپل	حقوق بشر
۳	۱۳۵۷/۴/۲۷	بازرگان، سحابی	استمپل	لیبرال دموکراسی
۴	۱۳۵۷/۵/۳۰	توسلی	استمپل	تقابل ایدئولوژیک با مارکسیسم
۵	۱۳۵۷/۷/۳	توسلی	استمپل	تقابل ایدئولوژیک با مارکسیسم
۶	۱۳۵۷/۷/۱۹	توسلی	نامشخص	تلاش برای جلب حمایت آمریکا
۷	۱۳۵۷/۷/۲۷	توسلی	استمپل	تقابل ایدئولوژیک با مارکسیسم
۸	۱۳۵۷/۹/۲۷	توسلی	استمپل	تقابل ایدئولوژیک با مارکسیسم
۹	۱۳۵۷/۱۰/۲۸	توسلی	نامشخص	تقابل ایدئولوژیک با مارکسیسم
۱۰	۱۳۵۷/۱۰/۳۰	توسلی، امیرانتظام	نامشخص	تقابل ایدئولوژیک با مارکسیسم
۱۱	۱۳۵۸/۱/۲۳	یزدی	ناس، استمپل	اعلام نیاز ایران به تکنولوژی آمریکا
۱۲	۱۳۵۸/۵/۹	حاج‌سیدجوادی	ناس	حقوق بشر
۱۳	۱۳۵۸/۶/۱	یزدی	لینگن	حقوق بشر

جدول ۱ مولفه‌های مذاکرات نهضت آزادی با سفارت آمریکا

### مذاکرات دکتر بهشتی با سفارت آمریکا

دکتر سید محمد بهشتی از پیروان نزدیک امام خمینی طی دهه‌های سی و چهل شمسی بود که در جریان رشد اعتراض‌های مردمی علیه دولت پهلوی همراه با جمعی دیگر از عالمان دینی؛ جامعه

روحانیت مبارز تهران را تأسیس نمود و در قالب این جمعیت، نقش مهمی در سازماندهی اقشار حامی امام و به خصوص طلاب و روحانیون ایفا می‌کرد. به همین دلیل و هم‌چنین با توجه به سابقه حضور او در آلمان به عنوان امام جماعت مسجد هامبورگ که موجب گسترش روابطش با دانشجویان منتقد حاکمیت پهلوی گردید، به عنوان یکی از شخصیت‌های فعال سیاسی شناخته شده، مورد توجه سفارت آمریکا در تهران قرار گرفت. چنان‌که ریچارد کاتم طی گزارشی برای سفارت آمریکا ابراز می‌دارد: «رهبر واقعی سازمان [تظاهرکننده] سید محمد بهشتی یکی از مُلّاهای قلهک است که جنبش را [در تهران] هدایت می‌کند و رابط اصلی با پاریس می‌باشد» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۱۲۹). استمپل طی گزارشی به وزارت امور خارجه آمریکا در ۱۸ دی ۱۳۵۷ بهشتی را «یکی از رهبران اصلی جناح [امام] خمینی و شناخته شده برای سفارت» معرفی می‌کند (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۳، ۳۳۵). ویلیام سولیوان، سفیر وقت آمریکا نیز در خاطراتش ذکر می‌کند: «شبکه وسیع روحانیون مخالف شاه در ایران بیشتر به وسیله دو تن از فعال‌ترین آن‌ها آیت الله بهشتی و آیت الله طالقانی با امام در پاریس ارتباط برقرار می‌کردند. این دو آیت الله که رهبری حرکت مخالفان مذهبی شاه را در داخل ایران در دست داشتند از جمله باسوادترین و جالب‌ترین رهبران مذهبی ایران بودند و از اوضاع جهان نیز آگاهی داشتند. آیت الله بهشتی سالیان متمادی در آلمان زندگی کرده بود و در مدت اقامت خود در این کشور به مخالفت با کمونیست‌ها برخاسته بود و به همین جهت مورد سوءظن و مخالفت شدید کمونیست‌ها بود که فعالیت حزب توده را در ایران رهبری می‌کردند» (سولیوان، ۱۳۶۱، ۱۴۳). همین نکات موجب می‌شود دیپلمات‌های سفارت آمریکا نسبت به ارتباط با او حساس شوند. ابراهیم یزدی در این خصوص مدعی است: «مرحوم بهشتی هم با سولیوان مستقیماً مذاکره می‌کرد. لامبرایکس که یونانی‌الاصل بود و فارسی هم خوب می‌دانست واسطه بود» (یزدی، ۱۳۹۲، ۷۰). سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به این ارتباط افشاگری نمود: «سپهبد ربیعی در دادگاه انقلاب گفت که هائیزر به ایران آمد و در جلسه سران ارتش گفت شاه باید برود و ارتش نسبت به دولت جدید اظهار وفاداری کند. وی به تمام سران ارتش دو شماره تلفن می‌دهد که در صورت لزوم از آن‌ها دستور بگیرند، یکی شماره بازرگان و دیگری شماره بهشتی» (سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت؛ ۱۳۵۹؛ ۱).

امیرانتظام از استمپل می‌خواهد که دیداری بین «بهشتی و بازرگان با ژنرال‌های ارتش، مقدم و قره باغی» صورت دهد (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۱، ۵۰۹). ولی دکتر بهشتی از حضور در محلی که طرف مقابل تعیین می‌کرد، اجتناب می‌نمود که علاوه بر ملاحظات امنیتی به

این جهت بود که ابتکار عمل سیاسی نیز در اختیار وی باشد. صدر حاج سیدجوادی، عضو شورای انقلاب بیان می‌دارد: «در شورای انقلاب بحث راجع به آمدن امام خمینی بود و ملاقات آقای دکتر بهشتی و مهندس بازرگان با ارتشبد قره باغی و سپهبد مقدم و متأسفانه آقای دکتر بهشتی حاضر نشدند که در جای دیگری جز منزل خودشان با آقایان تماس داشته باشند» (حاج سیدجوادی، ۱۳۸۷، ۹۰). سپهبد مقدم برای ترغیب دکتر بهشتی به مذاکره با فرماندهان ارتش در ۲۸ دی به منزل او می‌رود که دکتر بهشتی با اصرار به عدم حضور در مکان تعیین شده طرف مقابل، از حضور در مذاکره بعدی سر باز می‌زند. در گزارش سفارت آمریکا نیز ذکر شده «ژنرال مقدم (ساواک) و قره باغی (ارتش) با مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سحابی رهبران ارشد نهضت آزادی در شب ۳ بهمن ملاقات کردند. متأسفانه آیت الله بهشتی و حجت الاسلام رفسنجانی که قرار بود بیایند، آنجا نبودند. در واقع این دفعه دومی است که بهشتی از رودرویی با رهبران اصلی ارتش سر باز زده است» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۱، ۵۱۶). با این حال دکتر بهشتی در همان دیدار کوتاه با مقدم در پاسخ وی که پرسیده بود: «شما با این ارتش تا دندان مسلح می‌خواهید بجنگید؟» با استناد به سرمایه اجتماعی نیروهای انقلابی و نفوذ اجتماعی امام و رهبران مذهبی در بین نیروهای مسلح به او پاسخ داد: «شما با کدام نیرو می‌خواهید با ما بجنگید؟ وقتی سرهنگ‌های شما به ما اعلام وفاداری کرده‌اند، شما نیرویی ندارید که با ملت بجنگید» (رفیق دوست، ۱۳۹۲، ۶۱). گری سیک، مشاور وقت امنیت ملی دولت آمریکا نیز ذکر می‌کند که «آیت الله بهشتی در تماس با سفارت گفت: ما از دخالت مستقیم ارتش هراسی نداریم، زیرا تمامی سربازان و افسران جزء، حامی و پشتیبان ما هستند» (سیک، ۱۳۸۷، ۲۱۶). این نوع موضع‌گیری بر مبنای نیروها و توان‌مندی‌های موجود جریان انقلابی، حکایت از نگرشی واقع‌بینانه نسبت به محیط سیاسی دارد که فارغ از گرایش‌های هنجاری در پی پیروزی با هزینه کمتر و ترغیب فرماندهان ارتش به کنار نهادن قوای قهریه در مقابل توده‌های معترض است. به همین دلیل دکتر بهشتی علاوه بر مذاکره مستقیم و غیرمستقیم با ژنرال‌های ساواک و ارتش، در پی اقناع بختیار به استعفا و سقوط دولت پهلوی با شدت کمتر بود. به گزارش سفارت آمریکا در ۸ بهمن «تصمیم بختیار مبنی بر رفتن به پاریس با بالاترین نماینده اجرایی [امام] خمینی در تهران یعنی بهشتی [در میان گذاشته شد] و مقدار خیلی زیاد مکالمه با پاریس انجام گرفت» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۱، ۵۱۲). با بررسی اسناد موجود، برخلاف ادعای برخی گروه‌های مارکسیستی و چپ‌گرا مانند چریک‌های فدایی یا مجاهدین خلق، سندی مبنی بر مذاکره مستقیم میان دکتر بهشتی با اعضای ارشد سفارت آمریکا مانند سولیوان یا

ژنرال هایزر وجود ندارد و مطابق خاطرات سولیوان، وی طی ملاقاتی که انتظار دیدار با مهندس بازرگان و دکتر بهشتی را داشته است، به جای او با آیت الله موسوی اردبیلی مواجه می‌شود که ابتدا وی را با آیت الله بهشتی اشتباه گرفته است (روزنامه جوان، ۱۳۹۵/۹/۶). ولی آن چه برمی‌آید دکتر بهشتی در اواخر دی ماه ۵۷ با اسکودرو یکی از کارکنان سفارت دیدار و ماهیت جنبش اسلامی را برای وی توضیح می‌دهد (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۱۰، ۲۲۰).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز دکتر بهشتی به عنوان شخصیت برجسته شورای انقلاب اسلامی که نقش مهمی در اتخاذ تصمیم‌های جاری و همچنین سیاست‌گذاری‌های کلان دولت جمهوری اسلامی داشت، مورد توجه مسئولان سفارت آمریکا قرار گرفت. نه فقط مسئولان سفارت آمریکا بلکه دیگر ابرقدرت جهان، شوروی نیز نظر مشابهی داشتند. وینوگرادوف، سفیر شوروی در تهران «معتقد است که بهشتی باهوش‌ترین و از نظر سیاسی، متخصص‌ترین رهبر مذهبی ایران است» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۵، ۶۸۶).

اولین دیدار پس از انقلاب در ۲۸ اسفند ۱۳۵۷ رخ داد. لمبرایکس، مسئول بخش سیاسی سفارت در منزل دکتر بهشتی با وی دیدار و گفت و گو نمود. دکتر بهشتی در پاسخ نگرانی لمبرایکس مبنی بر فضای آمریکاستیزانه گفت: «مردم ایران از آمریکا متنفر نیستند بلکه برخی سیاست‌های آمریکا را دوست ندارند و به خوبی می‌فهمند که آمریکا شاه را در همه این سال‌ها بر سر قدرت نگاه داشته است». نکته جالب دیگر آن که وقتی لمبرایکس درصدد طرح مشکلات اقتصادی ایران و وجود بیکاران عمده در کشور برمی‌آید که متعاقب آن بحث وابستگی اقتصادی را تبیین کند «بهشتی از دادن هر گونه پاسخ صریح به این سوال و اینکه دولت چه برنامه‌هایی برای حل مشکل مزبور دارد، طفره رفت». دکتر بهشتی همچنین نسبت به نگرانی طرف مقابل از فعالیت جریان‌های مارکسیست پاسخ واقع بینانه‌ای می‌دهد: «این گروه‌ها آزادی کامل خواهند داشت و این آزادی‌ها فقط زمانی محدود خواهد می‌شود که معلوم گردد گروه‌های ایرانی وابسته به خارجیان هستند و یا به نفع آن‌ها کار می‌کنند، فرقی نمی‌کند که جناح راستی باشند یا چپی» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۱۰، ۲۲۱). رویکرد دکتر بهشتی در این گفت و گو به وضوح از رهیافت مصلحت اندیشانه در سیاست خارجی نشأت می‌گیرد. بنا بر مصالح انقلاب و جهت حفظ ام‌القرای اسلام، که نیازمند روابط مساعد با دولت‌های قدرت‌مند جهانی بود، روابط دوجانبه مبتنی بر حفظ استقلال کشور تبیین می‌شود و همچنین یادآوری گذشته روابط آمریکا با ایران در دوران رژیم شاه به عنوان یک مؤلفه منفی از طرف مقابل و اهرمی برای کسب امتیاز که دولت‌مردان آمریکا می‌بایست رفتارشان را با توجه به آن



بازبینی کند. از سوی دیگر حفظ آزادی فعالیت‌های سیاسی گروه‌های مختلف که علاوه بر اصول اسلامی از آرمان‌های انقلاب قلمداد شده و دولت جمهوری اسلامی موظف می‌باشد مطابق مصالح و اهداف انقلاب، آن را پاس بدارد و دکتر بهشتی نیز از منظر گفت‌وگو با یک مقام خارجی به محدودیت اصلی یعنی وابستگی و مزدوری برای دولت‌های بیگانه اشاره می‌کند تا دیپلمات‌های طرف مقابل بدانند که دخالت در امور داخلی از جمله خطوط قرمز دولت نوپای انقلاب است. ایشان برخلاف نهضت آزادی که حاضر است مخالفتش با رقیب داخلی را با دولت خارجی در میان بگذارد، با وجود اختلاف نظر جدی با جریان‌های چپ‌گرا که به تدریج تشدید می‌شد، استقلال فعالیت‌های داخلی از مداخله خارجی را مؤلفه‌ای مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در نظر می‌گیرد. مذاکره‌کنندگان آمریکایی در این دیدار دکتر بهشتی را این‌گونه توصیف نمودند: «او به وضوح سیاست مداری خبره است، می‌داند چگونه از بیان جزئیاتی که مایل نیست طفره برود و حرف خودش را بزند. زبان انگلیسی را خوب می‌داند. بهشتی آشکارا یک متفکر روش‌مند و مدیر قوی است» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ۱۰، ۲۲۲).

هر چند دکتر بهشتی در آن دیدار نسبت به ملاقات‌های دیگر نیز استقبال کرده بود، ولی با احتیاط و رعایت ملاحظات در این باره عمل می‌کرد. به همین دلیل در برابر درخواست ملاقات دیگری از سوی مسئول بخش سیاسی سفارت، ملاقات را به زمان دیگری موکول نمود ولی پذیرفت به سوالات به صورت کتبی پاسخ گوید. سوالاتی که پاسخ آن‌ها در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ به دست سفارت آمریکا رسید. دکتر بهشتی در این متن هدف خارجی انقلاب را «روابط انسانی سالم با تمامی ملت‌ها مشروط بر اینکه خارجیان روابط انسانی عادلانه را محترم بشمارند» دانسته است. وی تأکید کرد «ایران می‌خواهد که دنیای خارج به ضد انقلابیون کمک نکرده و در امور داخلی ایران دخالت نکند. ما چیز بیشتری نه از آمریکا نه از شوروی نمی‌خواهیم. در حال حاضر هر چه آمریکا ساکت‌تر باشد، بهتر است. اگر ثابت شود آمریکا به گروه‌های ضد انقلابی کمک می‌کند، بی‌نهایت به ضرر روابط فی‌مابین خواهد بود» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ۳۸۴). دکتر بهشتی با نگرشی مبتنی بر شعار مبنایی «نه شرقی، نه غربی» بر استقلال کشور از دخالت‌های خارجی تأکید دارد و هم‌چنین به دولت آمریکا هشدار می‌دهد که در شرایط حساس ابتدای انقلاب که توطئه‌های گوناگونی از سوی جریان‌های ضد انقلاب و سلطنت طلب در جریان بود، از همراهی با آنان بپرهیزند زیرا با توجه به انسجام داخلی و پشتوانه عظیم اجتماعی انقلاب و نظام نوظهور، شکست این توطئه‌ها محرز و هر گونه همراهی با آن‌ها به ضرر سیاست خارجی دولت‌های بیگانه خواهد بود. حفظ مصالح

انقلاب اقتضا می‌کرد که دولت مردان غربی به خصوص آمریکا که حامی اصلی دولت پهلوی بود نسبت به دوری گزیدن از نیروهای ضد انقلاب اقناع شده و به این ترتیب با هزینه کمتر و رویکرد دیپلماتیک و سیاسی، به تدریج روابط خارجی رو به بهبود گذارد.

هنری پرشت در ۲ آبان طی دیدار با ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت درخواست ترتیب ملاقات دیگری با دکتر بهشتی را مطرح می‌کند (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، ج ۴، ۳۳۵). این ملاقات ۷ آبان ۱۳۵۸ در دفتر دکتر بهشتی در ساختمان مجلس خبرگان قانون اساسی صورت پذیرفت. دکتر بهشتی در مواجهه با ابراز نظرات مثبت از سوی پرشت مبنی بر به رسمیت شناختن انقلاب اسلامی و دولت موقت به رهبری بازرگان، تصریح نمود: «اظهار حمایت دولت آمریکا از انقلاب کفایت نمی‌کند، به جای حرف، عمل لازم است». دکتر بهشتی به اخباری مبنی بر مسافرت شاه به آمریکا اشاره و آن را برای ایران غیرقابل تحمل خواند. به گفته پرشت، بهشتی در این خصوص «صریح، کنترل شده و عاری از احساسات» سخن گفت. سپس به بلوکه شدن بخشی از وجوه ایران در آمریکا اشاره و بیان داشت «ضرورت دارد دولت آمریکا با کمک به حل این مشکلات، حمایت خود از ایران را نشان دهد». هم چنین به احتمال وقوع کودتا از سوی نظامیان سلطنت طلب نیز اشاره‌ای داشته و ضمن تأکید بر قطعیت ناموفقیت کودتا به دلیل پشتیبانی گسترده مردمی از انقلاب؛ با توجه به روابط خوب آمریکا با ارتش شاه گفت: «اگر چنین امری پیش آید، آمریکا مسئول شناخته خواهد شد چون آمریکا دارای نقش گسترده‌ای در رابطه با ارتش ایران بوده است و هر گونه اقدام مشابه، مشکلات جدی برای آمریکا در ایران ایجاد خواهد کرد». دکتر بهشتی تصریح کرد: «رهبری انقلاب تصمیم گرفته با آمریکا و غرب به صورت دوستانه و مثبت برخورد کند ولی آن‌ها عمیقاً ظنن باقی می‌مانند». وی در خصوص ابراز نگرانی دیپلمات‌های آمریکایی نسبت به طبقه متوسط و متخصصینی که از ایران گریخته‌اند، سعی در رفع نگرانی ولی از موضع قدرت نمود و بیان داشت که «در یک انقلاب با وسعت و سرعتی که در ایران داشت، بروز اشتباهات اجتناب ناپذیر است. رهبری انقلاب خواهان مرزهای باز با دنیای خارج است نه مرزهای بسته. ولی به اقلیت اجازه داده نخواهد شد اهداف خود را به اکثریت که از انقلاب و اهداف آن حمایت می‌کنند، دیکته کنند. اگر لازم باشد این توده‌های میلیونی جمعیت ایران راه خود را به تنهایی طی خواهند کرد». این نظرات نشان گر رویکرد واقع بینانه‌ای بود که با اتکا به داشته‌های درونی انقلاب و به خصوص پشتیبانی نیروهای انسانی فعال، منضبط و بانگیزه درصدد رفع نیازمندی‌هایی است که ممکن است منجر به وابستگی‌های خارجی شود. تلاش برای رفع تنش‌ها و نگرانی‌های طرف مقابل از موضع حفظ

استقلال و عدم دخالت در امور داخلی کشور، بیان بی‌اعتمادی ناشی از روابط سابق و اقناع طرف مقابل به تغییر رویه و هم‌چنین بهبود روابط اقتصادی که از جمله مسائل اساسی ماه‌های ابتدایی انقلاب اسلامی بود و در مجموع گزینش راهبردهای عقلیایی مبنی بر رویکرد دیپلماتیک جهت کاهش دخالت آمریکا در مسائل داخلی، از دیگر محورهایی است که با رهیافت مصلحت‌اندیشانه و واقع‌بینی اسلامی که درصدد اجماع میان آرمان‌های انقلاب و واقعیت‌های محیطی است، تطابق دارد.

مرتبه	تاریخ مذاکره	طرف ایرانی	طرف آمریکایی	محورهای مذاکره
۱	۱۳۵۷/۱۲/۲۸	دکتر بهشتی	لمبرایکس	استقلال سیاست داخلی از مداخله خارجی لزوم تغییر سیاست خارجی آمریکا
۲	۱۳۵۸/۲/۲۴	دکتر بهشتی	پاسخ مکتوب	تأکید بر روابط متوازن با غرب لزوم عدم حمایت آمریکا از ضد انقلاب
۳	۱۳۵۸/۸/۷	دکتر بهشتی	پرشت	تأکید بر روابط متوازن با غرب لزوم عدم حمایت آمریکا از ضد انقلاب لزوم خروج اموال بلوکه‌شده ایران در آمریکا اشاره به توان‌مندی مادی و انسانی داخلی

جدول ۲ مولفه‌های مذاکره دکتر بهشتی با سفارت آمریکا

### نتیجه‌گیری

با مقایسه مذاکرات اعضای ارشد نهضت آزادی ایران و دکتر بهشتی با مسئولان سفارت آمریکا در ماه‌های پیش و پس از انقلاب تا پیش از تسخیر سفارت؛ می‌توان مؤلفه‌هایی را از تحلیل محتوای مذاکرات منتشرشده یافت که نشان‌گر گفتمان آنان در حوزه سیاست خارجی باشد. محورهای اساسی مذاکرات اعضای نهضت آزادی ایران را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

موافقت با ایده حقوق بشری دولت کارتر

مخالفت با جریان‌های مارکسیسم و چپ‌گرا به ویژه حزب توده

ایده‌پردازی در خصوص نقش جریان‌های ملی‌گرا و فقدان عمل‌گرایی

تأکید بر وابستگی متقابل و نیاز ایران به تکنولوژی ایالات متحده برای پیشرفت



این موارد را می‌توان از جمله مؤلفه‌هایی دانست که با گفتمان آرمان‌گرایی لیبرال در سیاست خارجی مطابقت بسیاری دارد. ملی‌گرایی، حقوق بشر، لیبرالیسم و تأکید بر وابستگی متقابل به عنوان مفصل‌بندی مفاهیم محوری سیاست خارجی در این گفتمان بروز می‌یابد. ایدئولوژیک بودن بسیاری از مسائل مطروحه در مذاکرات علاوه بر گفتمان ملی‌گرایی لیبرال از شخصیت‌های محافظه‌کار این جریان نیز نشأت می‌گیرد. در مجموع مطابق با تحلیل و بررسی محتوای مطروحه می‌توان تبیین نمود رویکرد این جریان در حوزه سیاست خارجی بر مسالمت‌جویی و صلح‌طلبی مفرط مبتنی بر هنجارها و نهادهای بین‌المللی و خوش‌بینی به روابط خارجی با غرب استوار است.

دکتر سید محمد بهشتی، عضو برجسته شورای انقلاب و دبیر کل حزب جمهوری اسلامی پیش از پیروزی انقلاب دیدارهای محدودی با بعضی نمایندگان سفارت آمریکا داشت ولی عمده تماس‌ها با سفارت آمریکا با واسطه و بیشتر در راستای مرتبط شدن با امرای ارتش جهت عقب‌نشینی سریع‌تر بود. اما پس از پیروزی انقلاب، گفت‌وگوهای رسمی و در سطوح بالاتری میان وی و مسئولان عالی رتبه سفارت آمریکا صورت پذیرفت که عمدتاً مسائل اساسی مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی و نظام انقلابی را در بر می‌گرفت. آن چه به عنوان اساسی‌ترین موارد در رویکرد دکتر بهشتی طی مذاکرات دریافت می‌شود، چنین است:

۱- اتکا به سرمایه اجتماعی درونی انقلاب به مثابه اهرم قدرت

۲- هشدار به دولت آمریکا مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی و تغییر رویه سابق

۳- تلاش برای تنش زدایی و اعتمادزایی در عین احتیاط ناشی از سوءظن نسبت به طرف مقابل

۴- عمل‌گرایی مبتنی بر فرآیند نیل به فهم مشترک و اجتناب از برخورد ایدئولوژیک و احساسی



این مؤلفه‌ها را می‌توان مبتنی بر گفتمان اسلام‌گرایی با رویکرد مصلحت‌گرایی مرکز‌محور مبتنی بر حفظ منافع ملی و حفظ موجودیت جمهوری اسلامی، تطابق دارد. تلاش برای بهبود روابط پیشین و در عین حال رویکرد انتقادی نسبت به رفتارهای دیپلماتیک آمریکا از مواردی است که محتوای مذاکرات دکتر بهشتی را با این رویکرد تطبیق می‌دهد. چنان‌که اولویت آن تثبیت و تحکیم درونی انقلاب اسلامی ایران است و رویکرد دیپلماتیک آن مبتنی بر مصلحت‌اندیشی بر اساس شرایط و مقتضیات زمانی موجود با واقعیت‌های بین‌المللی است. از قضا از زاویه نگاه دیپلمات‌های آمریکایی وقت نیز رویکرد دکتر بهشتی، معقول‌تر و واقع‌بینانه‌تر از نگرش لیبرال مسلک، می‌توانست منتج به حفظ منافع ملی و توازن روابط ایران انقلابی با غرب شود.

## منابع

- ۱- ابراهیمی، شهروز، ۱۳۹۳، «بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم»، دوفصل‌نامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱.
- ۲- یزدی، ابراهیم، ۱۳۹۲، «روشنفکران تا توانستند علیه دولت نوشتند»، ماه‌نامه اندیشه پویا، شماره ۱۳.
- ۳- حاج‌سیدجوادی، احمد صدر، ۱۳۸۷، *خاطرات صدر انقلاب*، تهران، نشر شهید مجبی.
- ۴- حق‌شناس، مرتضی، ۱۳۹۲، «واقع‌گرایی نوکلاسیک از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۳.
- ۵- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، (جلد ۱)، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ۶- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، (جلد ۳)، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ۷- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، (جلد ۴)، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ۸- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، (جلد ۵)، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ۹- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۹، *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، (جلد ۱۰)، تهران، انتشارات

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- ۱۰- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۹۰، «نظریه اسلامی سیاست خارجی، چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۱.
- ۱۱- رحمتی، رضا، ۱۳۸۹، «نظریه واقع‌گرایی و امنیت بین‌الملل»، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال ۲۴، شماره ۱.
- ۱۲- رضوانی، روح‌الله، ۱۳۸۹، «تحلیل محتوا»، دوفصلنامه پژوهش، شماره ۱.
- ۱۳- رفیق‌دوست، محسن، ۱۳۹۲، «برای تاریخ می‌گوییم»، تهران، نشر سوره مهر.
- ۱۴- سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت، ۱۳۵۹، «ارگان تئوریک»، ماه‌نامه نبرد خلق، شماره تیرماه.
- ۱۵- سولیوان، ویلیام، ۱۳۶۱، «مأموریت در تهران»، ترجمه محمود مشرفی، تهران، نشر هفته.
- ۱۶- سیک، گری، ۱۳۸۷، «همه چیز فرو می‌ریزد»، ترجمه علی بختیاری‌زاده؛ تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۷- شیخون، احسان، ۱۳۸۹، «رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی»، دوفصل‌نامه دانش سیاسی، شماره ۲.
- ۱۸- علی‌قلی طایفه، عباس، ۱۳۹۵، «نهضت آزادی ایران از تأسیس تا انشعاب»، تهران، نشر صمدیه.
- ۱۹- قانندی، محمدرضا، ۱۳۹۵، «روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی» فصل‌نامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، شماره ۲۳.
- ۲۰- قوام، سید عبدالعلی، ۱۳۹۰، «روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها»، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۱- قوام، سید عبدالعلی، ۱۳۹۲، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۲- ماکیاولی، نیکولو، ۱۳۹۲، «شهریار»، ترجمه احمد زرکش، تهران، نشر پژوهش.
- ۲۳- مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۲، «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۴- معظمی، علی، ۱۳۸۸، «صلح پایدار و عاملیت سیاسی نزد کانت»، فصل‌نامه تأملات فلسفی، شماره ۳.

گفتمان سیاست خارجی جریان‌های ملی‌گرا و ... □ ۲۰۵

۲۵- معینی علمداری، جهانگیر، ۱۳۸۱، «کانت‌گرایی، فراکانت‌گرایی و نظم جهانی»، فصل‌نامه سیاست، شماره ۵۷.

۲۶- مهاجرپور، حامد، ۱۳۹۱، «واقع‌گرایی و نقش منابع انرژی در سیاست خارجی»، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۳.

۲۷- هابز، توماس، ۱۳۸۰، *لویاتان، ترجمه حسین بشیریه*، تهران، نشر نی.